

معرفی و نقد کتاب.

تحقیقی در زمینه‌ی

# کاربرد زمان فراغت دانشجویان دانشگاه تهران

تحقیق و تألیف از : قاسم صافی

انتشارات امور فرهنگی دانشگاه تهران، ۲۰۳۴

تقد و بررسی : دکتر رجبعلی مظلومی

کتابی با عنوان مفصل «تحقیقی در زمینه‌ی کاربرد زمان فراغت دانشجویان دانشگاه تهران» از «آقای قاسم صافی» در حدود ۱۸۰ صفحه از انتشارات دانشگاه تهران به‌دست ما رسید. بایشگفتاری از امور فرهنگی دانشگاه مبنی بر اینکه:

«بدین ترتیب اولین بررسی امور فرهنگی دانشگاه انتشار مییابد. این تحقیق را میدانی بس وسیع است زیرا در نظر دارد فضای فراغت دانشجویان را بسنجد و چگونگی کاربرد آن را مشخص سازد...»

وبامقدمه‌ای از مؤلف، مبنی بر: هدف از کاری که انجام شده - موضوع مورد تحقیق - روش بررسی - مشکلاتی که با آنها مواجه گردیدند و چگونه کار کردند.

وسپس متن کتاب در دو بخش، برای بررسی «کاربرد زمان فراغت دانشجویان» در یک روز عادی (غیر تعطیل) - و در یک روز تعطیل (که جمعه را شامل میشود). و این بررسی در هر دو بخش، بیک روش صورت گرفته است بدین‌قرار :

۱ - دانشجویان در برابر وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات - رادیو - تلویزیون -

سینما)

۲ - دانشجویان و گرایش آنان به استفاده از ورزش و هنر

۳ - فعالیتهای مورد آرزو

۴ - گذران اوقات فراغت (مشکلات)

۵ - پیشنهادهای دانشجویان

و در پایان نتیجه گیری کرده و چند پیشنهاد را مطرح نموده است.

این کتاب براساس آمارهای منظم، دقیق، همه جانبه، که هر کدام خلاصه‌ای از صدها آمار دیگر بوده است سخن گفته و قصدش بیش از همه آن بوده است که:

وضع موجود دانشجویان را بنظر رساند، تادرمورد این طبقه تحصیل کرده - که چشم و چراغ ملت و مهمترین مهره‌های چرخ فردای زندگی ما هستند - نظر اولیای امور را بازدارد و برساند که وقتی تنها در دانشگاه تهران «هفده هزار دانشجوی دائمی و سه هزار دانشجوی تخصصی وابسته» وجود دارد قیاس باید کرد که مجموع دانشجویان کشور، در تهران و شهرستانها - در دانشگاههای دولتی و ملی به چه تعداد میرسد، و اینهمه فرد باسواد و جوان و فعال آیا از نظر زندگی تحصیلی، و نوع گذران ایام فراغت، باید مورد توجه عمیق و دقیق باشند یا نه؟ و آیا مهمتر از توجه به این مسأله مگر مسأله‌ای توان تصور کرد؟

لحظاتی که دانشجو تحصیل میکند، بر استاد است که او را از جهت فکری و نظری اداره نماید و رشد و تعالی بخشد.

اما لحظاتی که از نظام درسی خارج میشود و بخود می‌آید، و به گوشه‌ای می‌خزد و با زندگی خصوصی خود سروکار پیدا میکند، آنجاست که هزارها مسأله دیگر و خصوصی‌تر برایش مطرح میشود که هر کدام میتواند سرنوشت او، و سرانجام کارش را تغییر دهد و دگرگون سازد.

استاد ما میگفت: همیشه به بچه‌های باهوش توجه بیشتر کنید که مبدا فاسد و خراب شوند. و سپس چنین استدلال میکرد که: بچه کودن فرضاً که بد باشد چندان خطری نمیتواند بوجود آورد اما بچه باهوش اگر بد شد. بلاهائی بزرگ برای خود و غیر فراهم میسازد. و اگر هم نیکو تربیت گردید عالیتیرین آثار از او بروز خواهند کرد. در مورد این دانشجویان نیز که علمشان بمنزله چراغ راهشان محسوبست اگر خدای نخواستہ بد شوند معلوم است که در پرتو همان چراغ چه کارها توانند نمود.

«چو دزدی با چراغ آید گریده‌تر برد کالا».

عوامل بدشدن دانشجو کدامهاست؟؟ به مقداری از آنها، مؤلف در بحثی بنام «گذران اوقاب فراغت (مشکلات)» اشاره کرده است بدین قرار:

عوامل مادی: فقر - عدم وسیله - نداشتن تأمین آتیه - گرانی و...  
 عوامل روانی: سرخوردگی - غرور شدید - افکار مغشوش - ترس از آینده -  
 بی‌هدفی - عدم اراده - گسستگی‌های عاطفی - دلسردی - نداشتن استعداد - بی‌قیدی  
 خستگی - نداشتن نظم فکر - وجود عقده‌ها.

عوامل تربیتی: اختلافات خانوادگی - دوری از محیط‌های بزرگ - عدم آشنائی  
 والدین به تفریحات دانشجویی - عدم علاقه به رشته تحصیلی - یکنواختی برنامه‌ها -  
 تئوری بودن درس - سخت‌گیری رؤسای دانشکده‌ها - دورروئی افراد.

بدبینی سیاسی: پارتی‌بازی - نداشتن اعتماد به دیگران - نبودن کتاب مطلوب -  
 کمبود آزادی - عدم شرکت در بعضی فعالیتها.

مسائل جنسی: باهزارگونگی آنها

مشکلات و کمبودهای اجتماعی: عدم عرضه نمایشنامه‌ها و فیلمهای ارزنده - نداشتن  
 مراکز جلسات علمی و مذهبی - نبودن امکان فعالیت‌های هنری - وضع بد ترافیک -  
 مناسب نبودن برنامه‌های رادیو و تلویزیون - نبودن امکانات برای تحقیق - نبودن  
 کار - نبودن راهنما - علاقه نداشتن مسئولان امر به کارهای اجتماعی - عدم امنیت  
 دختران در اجتماع - عدم رفاه واقعی دانشجویان.

امور شخصی: شلوغی منزل - موانع جسمی - مرگ خویشاوندان - آمد و رفت  
 مبهمان - صرف وقت برای نظافت شخصی و منزل - داشتن همسر و نداشتن آن -  
 نداشتن برنامه.

مؤلف بدین‌جهت مجبور شده است عنوان را «مبهم و مخلوط» برگزیند، از آنجا  
 که «گذران اوقات فراغت دانشجویان» غالباً چنان نیست که خود میخواهد و آرزو میکند  
 «یا» چنانکه مصلحت اوست و باید آنچنان باشد «بلکه مشکلات» او را به‌چنان گذرانی  
 مجبور میسازد و بدان‌گونه گذرانها میکشاند.

باید گفت که: اگر روزنامه‌ها، مجلات - رادیو - تلویزیون - دستگاههای نمایشی -  
 اماکن تفریحات سالم - باشگاهها - انجمنهای دانشجویی - پارکها - کتابخانه‌های  
 عمومی ... به این لحظات فراغت مردم و بیش از همه دانشجویان توجهی ندارند، و اساس  
 کار خود را بر «تأمین نیازهای روحی و فکری ایشان» قرار نمیدهند، پس چه‌ارزشی  
 برای کارشان توان فرض کرد؟ و اگر نمیتواند مردم - و به‌ویژه دانشجویان - را  
 راهنمایی: در زندگی، در تحصیل - در سیر و وصول به‌هدفهای درست باشند، حاصل  
 فعالیتشان چه‌چیز لایقی تواند بود؟  
 و اگر نمیتوانند: آنچه را که مصلحت مردم است و آینده‌ساز ایشان میباشد به‌آنان

برسانند و تلقینی و تعلیم نمایند، چه فایده خواهند داشت ؟  
باید این دستگاهها، ضمن اینکه استراحت بخش فکر و جان هستند «باید معلم و راهنما» باشند... از «آنچه باید مردم خواسته باشند» سخن گویند نه از «آنچه حالا مردم میخواهند».

توجه به خواست کنونی آنها، جز «توقف و تعطیل دراندیشه وحالشان» ثمری ندارد و «توقف در ترقی بمنزله تنزل است» بگذریم از آنکه غالب درخواستها از مردمی (خاص) به دستگاهها میرسد و همانها را نشانه خواست عموم میگیرند و این درست نیست و کتاب حاضر «از روشهای ارائه کرده اش» این است که باید میان مردم رفت و پرسید و بررسی کرد و آنگاه عنوان «خواست عموم» بدان داد. وای کاش همان را هم از فهمیده تران - افراد آینده نگر - در ستاندیش و مجرب و کمال جوی پرسش کنیم، نه از عموم که اکثریت عامی هستند و عوام مصلحت بین نیستند. مؤلف در خاتمه کتاب به نظراتی پرداخته است از این قبیل:

۱ - محیط دانشگه بصورت خانه دلپذیر دانشجو مجهز شود و انواع سرگرمیهای سالم در آن بوجود آیند: فیلمهای ارزنده و مفید - برنامه شب شعر - نمایشنامه های آموزنده - برنامه های دیگر مناسب.

۲ - مطبوعات، رادیو - تلویزیون و سینما، محتوایی شایسته طبقه دانشجو داشته باشد و بلکه قسمتی از برنامه خود را به این طبقه اختصاص دهند.

۳ - جلب دانشجویان به سمت ورزش و هنر عملی گردد و همه وسائل و امکانات لازم در اختیارشان قرار گیرند، بلکه برای تعلیم به آنان ساعات و کلاسهای خاص ترتیب داده شود.

۴ - جلسات سخنرانی با موضوعات مفید و مناسب بگونه ای دلپذیر فراهم گردد.

۵ - کتابخانه های دانشگاهی و عمومی با مقررات سهلتر و وقت مساعد، در اختیار باشند.

۶ - حداکثر توجه به دانشجو برای تأمین زندگی فردی جهت امکان آسودگی خاطر وی صورت پذیرد.

بدیهی است که این نظرات همه مفید و ارزنده اند اما مسأله بزرگتر آن است که برنامه هایی در لحظات فراغت دانشجو اجرا شوند که «دانشجو را آرامش روانی بخشند - در آنچه آموخته است پخته تر سازند - راه تحقیق را برای وی بگشایند - آینده را به دیده وی برسانند - او را برای فردائی آماده سازند که آنچه آموخته است باید در آن فردا بکار برد، و راه تطبیق آن آموخته ها را با محیط هم اکنون فراگیرد - هدفهای

متعالی‌تر زندگی به او تلقین و تعلیم گردد - رابطه فکری و قلبی او با: معلومات خود - با خانواده - با جامعه - با کارها و وظایف اجتماعی - با مشکلات زندگی - با تدبیرها و راه‌یابیها - با فرودهای بهتر او در جمع دیگران - با عواطف اجتماعی درست و عواطف عالی انسانی مسلم و میسر شود.»

ترتیبی داده شود که نسبت به هر دانشجو، با وضع اختصاصی وی بررسی و مواظبت دقیق صورت گیرد زیرا زندگی فردی محصلین ما بگونه‌ای نیست که حکم کلی بر آنها توان داد. و قاعده‌ای عام برای آن توان گیرد - البته آنچه را که در این بررسی جنبه اشتراکی داشت میتوان با تناسبی شایسته، به تشکیلاتی احاله نمود که واری و تأمین نیازمندیهای مربوط را عهده‌دار باشد و در عین حال از اختصاصها نیز فراموش ننماید. بهر حال همین بررسی زندگی خصوصی دانشجو و آمارهای دقیق، راه امکان‌شناخت عوامل اصلی اصلاح است که امید می‌رود، طرح تحول و تغییر و بهبودها از آن دریافت گردد و نوسازی و بهسازی و بلکه رشد و کمال نیز صورت اجرا گیرد.

مؤلف این کتاب علاوه بر زحمات تحقیق و تنظیم جداول دقیق و پرارج، نظرات بسیار مستدل و منطقی نیز با برداشت از نتایج تحقیق ابراز داشته‌اند که مسلم است اولیای امور باید توجهی جدی و درخور به مراتب پیشنهادی داشته باشند. و ما نیز جداً از مؤلف درخواست میکنیم که این امر لازم و چنین تحقیق جالب را ادامه دهند و آنقدر پافشاری در اعلام نتایج کار خود داشته باشند که مسئولان امور را به اجرای نظرات شایسته خویش کشانند.

در خاتمه آرزوی توفیق مؤلف و همه کسانی را که برای لحظات فراغت دانشجو (که لحظات خودسازی و اندیشه و تشکیل هدف او است) چاره‌جویی میکنند از خدای بزرگ خواهانیم.